گفت و گو

مرتضی گل پور
دبیر گروه سیاسی

طباطبایی، معاون ارتباطات دفتر رئیس جمهور در گفت‌وگو با «ایران»:

پزشکیان اهل دروغ نیست

این بار موضوع گفت‌وگو، نه درباره رویکردهای دولت، بلکه شخص رئیس جمهوری است. درباره اینکه منش مدیریت مسعود پزشکیان چگونه است و با دیگران، از دولت و وزرا و مدیران دولت تا سران قوا و منتقدان چطور برخورد می‌کند با سیدمهدی طباطبایی معاون ارتباطات و اطلاع‌رسانی دفتر رئیس جمهور گفت‌وگو کرده‌ایم.

پیش از ریاست جمهوری دکتر پزشکیان چه تصویر یا شناختی از ایشان داشتید و اکنون در نهاد ریاست جمهوری با چگونه شخصیتی روبه‌رو هستید؟

درباره دکتر پزشکیان می‌توانم از سه زاویه پاسخ بدهم؛ اول، زاویه کسی که بیش از دو دهه ایشان را از نزدیک می‌شناسد، یعنی کسی که از ۲۶-۲۵ سال پیش زمانی که رئیس دانشگاه بودند دانشجوی ایشان بودم، دوم، به عنوان معاون ارتباطات دفتر رئیس جمهوری و سوم، زاویه‌ای خارج از این دو که به عنوان یک ناظر بیرونی، صرفاً می‌خواهم با نگاه روایتگر بیطرف درباره عملکرد و شخصیت رئیس جمهوری صحبت کنم.

البته این کار سختی است.

بله، اما سعی می‌کنم واقعیت را بگویم. من با شخصیت‌های سیاسی مختلفی در ارتباط بودم، اما از نگاه من دکتر پزشکیان فارغ از سمت ریاست جمهوری انسانی پرکار و پرتلاش است. روز رئیس جمهوری، روزی کاملاً سخت و پرمشغله است. ما که در دفتر رئیس جمهوری، برنامه‌های روزانه ایشان را تهیه می‌کنیم، واقعاً درک می‌کنیم که کار روزانه رئیس جمهوری واقعاً چیست. دکتر پزشکیان از نظر فیزیکی بسیار فعال است. بسیاری از کسانی که با او کار می‌کنند، حتی با وجود سن کمتر، از نظر انرژی و توان فیزیکی کمتر از ایشان هستند. ذهن ایشان بسیار منسجم است و خستگی ناپذیر کار می‌کنند. وقتی مأموریتی برای خود تعیین می‌کنند، آن را فراموش نمی‌کنند. بسیار دقیق هستند و این دقت را نسبت به کسانی که مأموریتی دارند هم اعمال می‌کنند؛ یعنی آنچه به دیگران سپرده می‌شود از یادشان نمی‌رود. یکی از ویژگی‌های بارزشان این است که رویکرد و نگاهش به آینده است. هستند مسئولانی که بیشتر به دنبال پروژه‌های کوتاه مدت و زودبازده هستند تا دستاوردی برای خود ثبت کنند. اما دکتر پزشکیان بیشتر به افق‌های بلندمدت و اثرات آینده نگرانه توجه دارد و به وضوح می‌توان این را در کارها و برنامه‌های شان مشاهده کرد.

به نظر می‌رسد این رویکرد رئیس جمهوری ناظر بر تجربه زیسته ایشان است. گفتند که در دانشگاه تبریز، وقتی دیدم کسی برای انجام پروژه‌ها پول نمی‌دهد، خودم با کمک مردم کارها را شروع کردم و بعد از شروع مسیر باز شد. منظور اینکه انتظاری که از مدیران دارند، کاری است که قبلاً خودشان انجام داده‌اند.

سخن شما درست است، اما صحبت من ناظر به مسأله دیگری است. منظور من این است که مسائلی که ایشان به عنوان مأموریت برای دولت تجویز یا تعیین می‌شود، درازمدت هستند، افق کوتاهی نیست که مثلاً گفته شود «من این پروژه را به نام خودم یا به نام دولت خودم انجام بدهم و تمام.» این، کار کوتاه مدت برای مسائل کلان است که طبیعتاً مسأله‌ها را حل نمی‌کند. در مقابل، دکتر پزشکیان نگاه کلان نگری دارند. شاید نقصی متوجه این نگاه کلان‌نگر باشد مبنی بر اینکه برخی بگویند در کوتاه مدت چه می‌شود و چه اتفاقی می‌افتد؟ اما در مقابل، ایشان بر مسأله نهضت عدالت آموزشی تمرکز کرده است. رئیس جمهوری می‌گوید مدارس کپری، کانکسی و سنگی را در همین دولت بر می‌چینیم و بر خواهد چید. دکتر پزشکیان روحیه‌ای در کار دارد که ممکن است کارها و پروژه‌ها در کوتاه مدت جواب ندهد، اما در بلندمدت قطعاً تحول ساز است. بنابراین، مسائلی که ایشان مطرح می‌کند، توسعه اقتصاد دریا محور، مسأله‌های کلان و بسیار جدی است و نمی‌توان آن را به صورت کوتاه مدت دنبال کرد. در مسأله نهضت عدالت آموزشی، رئیس جمهوری نگاه ویژه‌ای دارد. دکتر پزشکیان معتقد است ارزش اینکه یک خیر به تنهایی ۳۰۰ مدرسه بسازد، کمتر از آن نیست که ۳۰۰ نفر هر کدام یک مدرسه بسازند. این رویکرد، یعنی مدرسه‌سازی صرفاً یک پروژه فیزیکی نیست، بلکه نمادی از مشارکت مردم در حل مسائل جاری کشور است. سرمایه اجتماعی کلید این مشارکت است که ریشه در اعتماد عمومی دارد. صداقت مسئولان، سنگ بنای اعتماد عمومی است و نقطه قوت دکتر پزشکیان نیز همین صداقت اوست. او در میان اقشار مختلف مردم به عنوان فردی که دروغ نمی‌گوید شناخته می‌شود و این سرمایه اجتماعی موجود، پایه قوی برای جلب مشارکت مردم است.

رئیس جمهوری مشارکت مردم را یکی از مسائل کلیدی عنوان کرده. در سخنرانی خود در جمع نخبگان سیستان و بلوچستان، به کتاب «راه باریک آزادی» اشاره کرد و گفت برای حل مسائل، هم دولت باید قدرتمند باشد و هم جامعه. اما شواهدی وجود دارد مبنی بر اینکه در مسیر حل پروژه‌های دراز مدت، نظام اداری دولت توانایی لازم برای حرکت را ندارد. مثلاً آماری به رئیس جمهوری داده می‌شود و رئیس جمهوری هم به مردم اعلام می‌کند اگر دو ساعت به خانه‌ها خاموشی بدهیم، مشکل ناترازی برق حل می‌شود، اما بعداً خود رئیس جمهوری، البته با صداقت می‌گوید این ارزیابی اشتباه بود و اگر ۲۴ ساعت هم خاموشی می‌دادیم، مشکل ناترازی برق حل نمی‌شد.

قطعاً ما در دولت مشکلاتی داریم. در برخی دوره‌ها دولت‌ها وضعیت بهتری داشته‌اند و در بعضی دوره‌ها وضعیت بدتری تجربه شده است. آقای دکتر پزشکیان از زاویه دیگری به موضوع نگاه می‌کنند، این نگاه، بر مشارکت همه جریان‌های سیاسی و سلایق در اداره کشور مبتنی است. شاید از دید ناظر بیرونی، رئیس جمهوری در تشکیل کابینه‌ای کاملاً همگن موفق نبوده باشد، اما در حوزه‌های دیگری دستاوردهایی داشته که توانسته موانع را بشکند و راهگشا باشد. هر کجا که ضعف یا قصوری در انجام تعهدات دستگاهی در دولت شناسایی شده، تلاش شد به آن کمک شود. همان‌طور که اشاره کردم، عدالت آموزشی برای ایشان بسیار حیاتی است. به همین منظور در کمتر از ۱۰ ماه پس از تشکیل دولت، بیش از ۴۰ جلسه تخصصی با موضوع عدالت آموزشی برگزار کرده‌اند. در دولت‌های گذشته، بویژه در دولت‌های هشت ساله یا حتی دولت‌های سه‌ساله، گاهی تشکیل حتی یک جلسه شورای آموزش یک سند افتخار برای دولت محسوب می‌شد، به طوری که حضور رئیس جمهوری در جلسه شورای عالی آموزش به عنوان یک اقدام مهم تلقی می‌شد. اما آقای دکتر پزشکیان هر زمان که احساس کرد نیاز به کمک بیشتر است، وارد عمل شد و کمک کرد. طبیعتاً اگر در مقطعی احساس شود یک دستگاه دچار رکود و انجماد است و کارش پیش نمی‌رود، اصلاحات و تغییرات لازم انجام خواهد شد. اصل این است که حرکت دولت نباید متوقف شود. اما مهم این است که حرکت دولت در جهت اهداف تعیین شده، وعده‌ها و شعارهای رئیس جمهوری بوده و این شعارها و اهداف با جدیت دنبال می‌شود و به این صورت نبوده است که دولت از مسیر خود منحرف شود. در مورد آمار و اطلاعاتی که اشاره کردید، گاهی انعکاس رسانه‌ها دقیق نبوده است. به عنوان مثال، در زمینه تعطیلی نیروگاه‌های مازوت سوز، اطلاعات اولیه ناقص بود؛ اما تصمیم اتخاذ شده درست بود و بعداً اصلاح شد. همچنین اخیراً موضوع میزان مصرف انرژی در ایران با کشورهای اروپایی مقایسه شد و این موضوع در فضای رسانه‌ای بسیار پربازدید شده بود که اطلاعات ارائه شده از سوی رئیس جمهوری درباره میزان مصرف انرژی در ایران و کشورهای اروپایی دقیق و درست نیست. در حالی که آنچه آقای رئیس جمهوری مطرح کرد، مبتنی بر گزارشی بوده که دریافت کرد و آن گزارش هم اشتباه نیست، بلکه انعکاس دقیق گزارش در رسانه‌ها ناقص بوده است. اصل گزارش این است که میزان مصرف انرژی در ایران نسبت به کشورهای مشابه از نظر اقلیمی، با توجه به مساحت و متر مربع کشور، حدود ۶ برابر است. لازم بود که این گزاره در گزارش باشد، اما تلخیص یا انعکاس ناقص باعث برداشت اشتباه شده است. آن میزان ۶ برابری مصرف که رئیس جمهوری اشاره کردند، در اصل خود حرف نادرستی نیست. از همه مهم‌تر، دغدغه اصلی رئیس جمهوری این است که الگوی مصرف انرژی در کشور درست و بهینه نیست.

در ادوار گذشته دیدیم اگر نقص‌ها یا اشتباهاتی در اظهارات عمومی رئیس جمهوری دیده می‌شود، معمولاً اصلاح نمی‌شد یا اشتباه پذیرفته نمی‌شد، بلکه اجزای رسانه‌ای و سیاسی دولت مأمور می‌شدند تا به هر قیمتی که هست حرف رئیس جمهوری را اثبات کنند، به جای اینکه خطا را بپذیرند.

روندها در دولت به گونه‌ای است که هرگونه گزارش نادقیق نیازمند اصلاح است و هیچ مسئول دولتی مجاز به ارائه اطلاعات نادرست به مردم نیست. ممکن است اشتباه رخ دهد، اما پذیرش و اصلاح اشتباه ضروری است و تمسک به دروغ یا پنهانکاری خط قرمز این دولت محسوب می‌شود. حتی در مواردی که عزل مسئولان رخ داده، علت آن نه ضعف در عملکرد، بلکه عدم صداقت و ارائه گزارش غیردقیق به مردم بوده است. دولت با این رویکرد، صداقت را محور مسئولیت‌پذیری قرار داده و اجازه نمی‌دهد دروغگویی از سوی هیچ یک از اعضای کابینه مورد قبول واقع شود. نگاه رئیس جمهوری به قدرت نگاهی غیرقدسی و مسئولیتی است. ایشان خود را صرفاً یک شهروند ایرانی می‌داند که مسئولیتی برعهده‌اش نهاده شده است. این منش و نگرش برگرفته از آموزه‌های نهج‌البلاغه و الگوی امیرالمؤمنین(ع) است که قدرت را دارای ارزش ذاتی نمی‌دانند و باور دارند کسی نباید برای حفظ تصویر غیرواقعی خود به قدرت دلبسته باشد. در نهایت اینکه، دولت چهاردهم برمبنای صداقت، مسئولیت پذیری و اصلاح‌طلبی حرکت می‌کند و تلاش دارد اشتباهات را شجاعانه پذیرفته و اصلاح کند و با پنهانکاری و دروغ مقابله کند. من به عنوان کسی که در دولت مسئولیتی دارم و به ایشان نزدیک هستم، حقیقتاً هیچ علاقه‌ای به قدرت در رئیس جمهوری نمی‌بینم. ایشان مسئولیت را به عنوان یک فرصت و بستری برای انجام کارهایی می‌داند که افق دید وسیع و آینده نگرانه دارد و بر همین اساس، نگاهش بسیار دور و کلان است.

در عکس‌های خبری رئیس جمهوری، می‌بینیم هر میهمان عالی‌رتبه‌ای که به دفتر ریاست جمهوری می‌آید، اعم از سران قوا یا حتی میهمان خارجی، دکتر پزشکیان جای اینکه در بالکن دفتر منتظر میهمان باشد، شخصاً جلوی در کاخ ریاست جمهوری حاضر می‌شود.

این نوع رفتار برای برخی مقامات، حتی در میان سران قوا یا دیپلمات‌های خارجی، تازگی و حس متفاوت بودن دارد. بسیاری از آنان برای نخستین بار است که می‌بینند وقتی مهمانی به دفتر رئیس جمهوری می‌آید، رئیس جمهوری دم در، منتظر میهمان است.

در جلسات دولت نیز می‌بینیم که پیش از شروع رسمی جلسه، وزرا با یکدیگر و با رئیس جمهوری به نوعی صمیمانه تعامل دارند. یا در جلسات کارشناسی، این شیوه تعاملات شخصی بیشتر دیده می‌شود. مثلاً در برخی جلسات، می‌بینیم که رئیس جمهوری در جایگاه بالای جلسه نیست، بلکه در چینش صندلی‌ها هم نوعی فضا تعاملی رعایت شده است.

این روند یک شکل نوین دیپلماسی و مدیریتی است که تاکنون کمتر دیده شده و تأثیرگذار است. به عنوان مثال در جلسات خصوصی این تعاملات اهمیت بسیاری دارد و دارای پیام‌های عمیقی است که جامعه نیز آن پیام‌ها را درک می‌کند و پذیرا می‌شود. وقتی فردی بی تعلقی خود را نسبت به مقام، جایگاه و قدرت نشان می‌دهد، جامعه این رفتار را دوست دارد و باور می‌کند. همه ما در هر جایگاهی قرار گرفتیم تا منشأ خدمت و اثر مثبتی برای مردم باشیم، نه صرفاً تصاحب موقعیت. اگر میزها و موقعیت‌ها واقعاً وفادار به اصل خدمات بودند، بدون شک این مسئولیت‌ها به افراد ناصالح نمی‌رسید.

یکی از مسأله‌های مهم از نظر رئیس جمهوری اصلاح نظام اداری است. رئیس جمهوری در ۶ ماه نخست دولت چندین بار به سازمان اداری و استخدامی رفت. سال گذشته در یک بازدید، به صراحت اعلام کرد طرح ارائه شده برای اصلاح نظام اداری، آن چیزی نیست که می‌خواستیم و باید اصلاح شود.

پروژه اصلاح نظام اداری، یکی از برنامه‌های بلندمدت و کلان اصلاح نظام اداری است که نقش مهمی در تحول از درون ساختارهای حکمرانی دارد. طرح مربوطه هنوز نهایی نشده است ولی رئیس جمهوری به طور مستمر پیگیر پیشرفت آن است و این مسأله در سیاستگذاری‌ها و برنامه‌های بودجه‌ای نیز به وضوح دیده می‌شود. حتی اگر برخی دستگاه‌ها همکاری نکنند، با تأکید رئیس جمهوری، این موضوع در بودجه قطعاً لحاظ خواهد شد. هدف این است که به میزان تأثیرگذاری و کارایی هر مجموعه، توجه جدی شود و نهاد دیوان‌سالاری به سمت چابک‌سازی و ارتقای عدالت هدایت گردد. از نگاه رئیس جمهوری، عدالت، اصول بنیادین منشور مدیریتی است و هرگونه هزینه غیرضروری یا بهره‌برداری خاص از منابع عمومی و بودجه دولت، غیرقابل قبول است. ایشان معتقدند که مسئولان حق ندارند از بودجه مردم برای منافع شخصی یا شرکت‌ها و مجموعه‌های زیان‌ده استفاده کنند، چرا که این زیان مستقیماً از جیب ملت پرداخت می‌شود و با عدالت اسلامی و اخلاق مدیریتی در تضاد است. این موضوع کاملاً در تضاد آشکار با آموزه‌های عمیق و باورهای جدی ایشان است و بنابراین با آن به شدت مقابله می‌شود. از جمله مسائلی که معتقدم هرچند این روند به نوعی جراحی ساختاری است و کار آسانی نیست، اما ان‌شاءالله در زمان مناسب به نتیجه مطلوب خواهد رسید.

کسانی که در حوزه ادبیات توسعه و مدیریت فعال هستند، به خوبی درمی‌یابند که اهمیت جلساتی مانند جلسه وزارت رفاه برای ساماندهی مدیریت شرکت‌های وابسته به این وزارتخانه، یا طرح‌های عدالت آموزشی که بر تربیت دانش‌آموزانی با توانایی حل مسأله و کار جمعی تأکید دارد، چیست و چه تأثیر دراز مدتی بر نظام حکمرانی ما دارد. اما نمی‌توان از دغدغه‌های روزمره مردم مانند تورم، افزایش قیمت نان و ناکافی شدن حقوق‌ها چشم‌پوشی کرد. دولت برای پاسخگویی به این اولویت‌های کوتاه مدت جامعه چه اقداماتی انجام می‌دهد؟

یکی از وعده‌های مهمی که بارها رئیس جمهوری به آن اشاره کردند و دغدغه ذهنی جدی ایشان است، توجه به معیشت مردم است. ایشان بر این باور است که پذیرفتنی نیست که با وجود منابع خدادادی و ظرفیت‌های گسترده کشور، کسانی در فقر مطلق زندگی کنند، افراد سر گرسنه زمین بگذارند یا در تأمین معیشت ابتدایی خویش با مشکل مواجه باشند. اما این فقط یک روی ماجراست، زیرا علل و عوامل ساختاری نیز در کشور وجود دارند؛ مثلاً همان که در نهج‌البلاغه آمده است مبنی بر اینکه هیچ کاخی بدون پایه ساخته نمی‌شود. به عبارت دیگر، ما شاهد بی‌عدالتی‌هایی در تخصیص و توزیع منابع ملی بین اقشار مختلف مردم هستیم. به عنوان مثال، در اصلاح الگوی مصرف، مقابله با ناترازی و تغییر الگوی قیمت‌گذاری حامل‌های انرژی، بارها مثال زده شد که چگونه در یک روستا فردی با مصرف حداقلی فقط دو لامپ ۱۰۰ وات از میزان اندکی از یارانه برق سهم می‌برد، در حالی که در شمال شهر تهران کسی استخر روباز خود را با انرژی تقریباً رایگان گرم می‌کند. این وضعیت نشانگر نابرابری آشکار در بهره‌مندی از انرژی و منابع است. این نکته‌ها بیانگر ضرورت اصلاحات اساسی و عدالت محور در نظام تخصیص منابع و مدیریت کشور است که باید با جدیت دنبال شود. موضوع مطرح شده در اینجا مربوط به یک منبع واحد ملی است که در روند توزیع آن بی‌عدالتی‌هایی به چشم می‌خورد. به عبارت دیگر، یک سوی این بحث اصلاح مصرف و سوی دیگر آن اصلاح نظام قیمت‌گذاری حامل‌های انرژی است که هدف نهایی آن توزیع عادلانه منابع بین مردم است. برای تحقق این هدف سازوکارهایی باید طراحی شود. رئیس جمهوری مدل‌ها و الگوهایی در ذهن دارند و مأموریت‌هایی را به گروه‌هایی واگذار کرده‌اند تا یارانه‌هایی که به شکل نامتوازن، غیرعادلانه و مبتنی بر شکاف‌های عمیق در جامعه توزیع می‌شود، به گونه‌ای برابر و عادلانه در اختیار همه مردم قرار گیرد. به عنوان مثال، دکتر پزشکیان اشاره می‌کنند که اگر منابع هنگفتی مانند ۱۲۰ میلیارد دلار هزینه انرژی مصرفی در کشور به طور مستقیم و عادلانه به مردم تخصیص یابد، دیگر فقری وجود نخواهد داشت و هیچ‌کس در تأمین معیشت ابتدایی خود دچار مشکل نخواهد بود. در این صورت، خود مردم به صورت منطقی مصرف خود را تنظیم خواهند کرد. اما در حال حاضر، به طور نمونه، بنزین با قیمتی حدود ۴۷ تا ۴۸ هزار تومان وارد می‌شود، اما قیمت این ماده انرژی برای مصرف‌کنندگان حدود ۳ هزار تومان است. روزانه بین ۱۲۰ تا ۱۳۰ میلیون لیتر بنزین مصرف می‌شود. در این میان، افرادی هستند که مصرف بسیار بالایی دارند و از یارانه سوخت برخوردار می‌شوند، در حالی که برخی شهروندان هیچ بهره‌مندی مستقیمی از این یارانه ندارند. اگر این توزیع مجدداً و به طور عادلانه طراحی شود، به گونه‌ای که سهمیه بنزین، گاز، برق و گازوئیل به تعداد آحاد شهروندان ایرانی تخصیص یابد، بسیاری از نابرابری‌ها برطرف شده و مشکلات کاهش خواهد یافت. این اعداد و ارقام بسیار بزرگ و قابل توجه است. همچنین بخشی از منابع نیز در زمینه قاچاق سوخت هدر می‌رود که حجم آن نیز بسیار بالا و قابل تأمل است. اما با وجود تحریم‌ها و محدودیت‌های بین‌المللی، اگر بتوانیم از منابع موجود به درستی و با عدالت استفاده کنیم، بسیاری از مشکلات معیشتی و اقتصادی مردم حل خواهد شد و این مسائل دیگر به عنوان بحران مطرح نخواهند بود.

مسائلی که اشاره کردید، بسیار کلان و تحقق آنها فراتر از ظرفیت قوه مجریه است و باید به صورت هماهنگ با همه ارکان و قوا دنبال شود. آیا دولت پزشکیان توازن ایجاد هماهنگی لازم نظام حکمرانی برای پیش بردن این پروژه‌های کلان را دارد؟

پاسخ مثبت است، زیرا دکتر پزشکیان به یک خط محوری مهم پایبند است که آن خط، اجماع آفرینی و ایجاد وفاق بین نیروهاست. وفاق برای ایشان معنایی فراتر از همزیستی ساده دارد؛ یعنی همزیستی به معنی هم مسأله شدن و کار مشترک و همکاری جدی. وقتی مسأله‌ای تنها از دید یک فرد یا گروه کوچک دیده شود، لازم نیست که همه درگیر آن باشند؛ اما وقتی همزیستی گسترده باشد، آن موضوع تبدیل به مسأله‌ای عمومی می‌شود و ذینفعان بسیاری را دربرمی‌گیرد. دکتر پزشکیان بر نخبه گزینی تأکید دارند و معتقدند باید از تمامی ظرفیت‌های کشور صرف نظر از هرگونه تفاوت نژادی، مذهبی، سیاسی یا جنسیتی، به بهترین نحو بهره‌برداری شود و تخصص ملاک عمل قرار گیرد. این نگاه باعث گسترش همزیستی و ایجاد همنوازی بین گروه‌های متفاوت شده و در مرحله بعد، باعث می‌شود مسأله‌های دولت به مسأله‌های مشترک قوا و تمامی ارکان نظام تبدیل گردد.

رئیس جمهوری در جلسات سران قوا، جلسات عادی و یا تخصصی این نگرش را دارد که میزهای مربعی، مکعبی یا مستطیلی باید جای خود را به میزهای دایره‌ای بدهند تا همه افراد دور یک میز جمع شوند و مسأله‌ها را به صورت مشترک حل کنند. حتی در حوزه کارشناسی هم این نگاه رعایت می‌شود و مسائلی همچون سطح رؤسای قوا به چشم نمی‌آید. این نوع نگاه باعث ایجاد همدلی و وفاق بین قوا می‌شود

روندها در دولت به گونه‌ای است که هرگونه گزارش نادقیق نیازمند اصلاح است و هیچ مسئول دولتی مجاز به ارائه اطلاعات نادرست به مردم نیست. ممکن است اشتباه رخ دهد، اما پذیرش و اصلاح اشتباه ضروری است و تمسک به دروغ یا پنهانکاری خط قرمز این دولت محسوب می‌شود. حتی در مواردی که عزل مسئولان رخ داده، علت آن نه ضعف در عملکرد، بلکه عدم صداقت و ارائه گزارش غیردقیق به مردم بوده است. دولت با این رویکرد، صداقت را محور مسئولیت‌پذیری قرار داده و اجازه نمی‌دهد دروغگویی از سوی هیچ یک از اعضای کابینه مورد قبول واقع شود

رئیس جمهوری دنبال مصادره نتایج و دستاوردها به نام خود نبود؛ حتی برای اقداماتی مانند رفع فیلتر واتساپ، نه دولت و نه خود دکتر پزشکیان سخنی تبلیغاتی نکردند و ترجیح دادند کار انجام شود.

دکتر پزشکیان باور دارد که با این رویکرد، همدلی و همکاری گسترده‌ای شکل گرفته و خواهد گرفت. به عنوان مثال، سابقه نداشته است که جلسات سران سه قوه این گونه منظم و مستمر برگزار شود؛ طی حدود ۱۰ ماه، بیش از ۴۰ جلسه در دفتر ریاست جمهوری برگزار شد که نشان دهنده انسجام و هماهنگی بالای قوا است.

در گذشته در جلسات سران قوا، معمولاً هر کدام در صندلی خاص خود می‌نشستند و کنارشان هم میز کوچک پذیرایی بود. اما حالا یک میز دایره‌ای در وسط جلسه هست. این میز جلسه را به یک جلسه کاری تبدیل کرده نه تشریفاتی، با اینکه وقتی میز دایره‌ای است، جایگاه بالا تر یا پایین تری هم وجود ندارد و همه یک سطح هستند.

رئیس جمهوری در جلسات سران قوا، جلسات عادی و یا تخصصی این نگرش را دارد که میزهای مربعی، مکعبی یا مستطیلی باید جای خود را به میزهای دایره‌ای بدهند تا همه افراد دور یک میز جمع شوند و مسأله‌ها را به صورت مشترک حل کنند. حتی در حوزه کارشناسی هم این نگاه رعایت می‌شود و مسائلی همچون سطح رؤسای قوا به چشم نمی‌آید. این نوع نگاه باعث ایجاد همدلی و وفاق بین قوا می‌شود. در حال حاضر، در ۱۰ ماه گذشته که بسیاری از جلسات به صورت مستمر و منظم برگزار شده، نمونه‌های ملموسی از این وفاق دیده شده است. یکی از آنها، اقدام بدون جنجال و سر و صدا در حوزه اجتماعی و رفع فیلترینگ بود که با همراهی و همدلی رؤسای قوا و ارکان حاکمیت انجام شد. موضوعات دیگری نیز در همین راستا است، مثل اصلاح پوشش‌های نامناسب اجتماعی یا تلاش‌های هماهنگ دولت در حوزه بین‌الملل برای بن‌بست شکنی و پیشبرد مذاکرات که هرکدام به نوعی اتفاقات بزرگی محسوب می‌شوند. این دستاوردها بر مبنای نمایش‌های تبلیغاتی نبوده و نیستند و برعکس، گرفتار نمایش‌های تبلیغاتی شدن ممکن است اصل کار را تضعیف کرده و همدلی را از بین ببرد و آن را به رقابت و بازی‌های رسانه‌ای تبدیل کند.

رویکرد دولت نسبت به منتقدان چگونه است؟ البته در مواجهه با نقدهای برخی منتقدین مانند آقای عباس عبدی، که در انتخابات حامی رئیس جمهوری هم بودند، می‌بینیم نقد دولت و رئیس جمهوری باعث ایجاد کدورت نمی‌شود، بلکه بعد از آقای عبدی برای شرکت در نشست‌های همفکری در حضور رئیس جمهوری دعوت می‌شود. یا آقای مخبر معاون اول دولت سیزدهم هم در نامه‌ای به دکتر پزشکیان مسائلی را به ایشان منتقل کرد و عبارت آقای مخبر این است که «دکتر پزشکیان با بزرگواری دستور پیگیری می‌دهد.»

رئیس جمهوری و دولت نقد را به چشم یک فرصت برای بهبود می‌بیند و متوجه است که منتقد منصف و دلسوز می‌تواند کمک بیشتری به مسئولان بکند تا تأییدکننده صرف. برای این منظور باید ظرفیت‌هایی مانند اتاق‌های ایده، اتاق‌های فکر و اتاق‌های نقد را در جامعه فعال کرد تا نقدهای سازنده و بی‌غرضانه به مسئولان برسد و باعث بهبود امور شود. زیرا هیچ کس کامل نیست و هر مدیر یا مسئول ممکن است در اثر مشغله زیاد دچار لغزش شود و نقد صریح و بی‌غرضانه ابزار مهمی برای اصلاح و پیشرفت است که باید قدرش دانسته شود.

عکس: علی حسن‌پور، ایران

در هر نشست سران قوا رئیس جمهوری تا محل توقف خودروی میهمان، به استقبال او می‌رود